



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies
Vol 31. No 2. Summer 2024
Received date: 2024.01.1
Acceptance date: 2024.05.26



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک-خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net
DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.2.6.8

An Exploration of the Pattern and Process of Development in the United Arab Emirates (With Emphasis on Adrian Leftwich's Point of View)

Mahboobeh Bashiri¹, Somaye Hamidi², Moslem Khosravy Zargaz³



Abstract

Development is a strategy of moving towards favorable conditions of social life and a multi-dimensional process including simultaneous and coordinated material and spiritual development, which was proposed in some Persian Gulf countries from the middle of the 20th century. Among these countries, the United Arab Emirates has also been able to travel the path of growth and development in economic, social and human fields at a fast pace. The main issue of the present research is how the government has influenced the development pattern and process in this country? The UAE government has been able to achieve superior economic and human development indicators by using the tools and policies of the development-oriented government and become one of the effective global powers. The following study, by examining the development process in the United Arab Emirates in a descriptive-analytical way and emphasizing Adrian Leftwich's point of view, concludes that the development-oriented government elites in the United Arab Emirates have been able to act independently and create a bureaucracy. Efficiently in the environment of the weak civil society in which they were located, they provide the conditions for economic growth and development in the domestic and international arena and achieve a significant level of economic and human development with the development of infrastructure.

Keywords: United Arab Emirates, Development, Developmental Government, Leftwich.

1 - M.A of Political Science, Department University of Birjand, Birjand, Iran.

2 - Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran.

3 - Member of the Faculty of Political Science, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand, Birjand, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۲، پیاپی (۱۱۶)، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۲.۶۸

نوع مقاله: پژوهشی

کنکاشی بر الگو و روند توسعه در امارات متحده عربی (با تأکید بر دیدگاه آدریان لفت ویچ)^۱

محبوبه بشیری^۲، سمیه حمیدی^۳، مسلم خسروی زارگز^۴



چکیده

توسعه، استراتژی حرکت به سوی شرایط مطلوب زندگی اجتماعی و فرایندی چند بعدی شامل توسعه هم‌زمان و هماهنگ مادی و معنوی است که از اواسط قرن بیستم در بین برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس مطرح گردید. از میان این کشورها، امارات متحده عربی نیز توانسته مسیر رشد و توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و انسانی را با سرعت طی کند. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که دولت چگونه بر الگو و روند توسعه در این کشور تأثیر داشته است؟ دولت امارات متحده با بهره‌گیری از ابزار و سیاست دولت توسعه‌گرا توانسته به شاخص‌های برتر اقتصادی و توسعه انسانی دست یابد و در زمره قدرت‌های مؤثر جهانی قرار گیرد. مطالعه پیش رو با بررسی روند توسعه در امارات متحده عربی به روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر دیدگاه آدریان لفت ویچ، چنین نتیجه می‌گیرد که نخبگان حکومتی توسعه‌گرا در کشور امارات متحده عربی توانسته با برخورداری از استقلال عمل و ایجاد دیوان سالاری کارآمد در فضای جامعه مدنی ضعیفی که در آن قرار داشتند، شرایط رشد و توسعه اقتصادی در عرصه داخلی و بین‌المللی را فراهم سازند و با توسعه زیرساخت‌ها به سطح قابل توجهی از توسعه اقتصادی و انسانی دست یابند.

واژگان کلیدی: امارات متحده عربی، توسعه، دولت توسعه‌گرا، لفت ویچ.

۱- این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول می‌باشد.

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

۳- (نویسنده مسئول) دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

۴- عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

توسعه طیفی از بازیگران، از آژانس‌های بین‌المللی، دولت، سازمان‌های مختلف تا افراد مختلف را در بر می‌گیرد که همگی در چگونگی پیشبرد تغییرات و توسعه علاقه‌مند هستند. دولت به‌عنوان ابزار اراده عمومی در مرکز اکثر بحث‌ها و اقدامات توسعه قرار دارد. دولت عرصه‌ای است که در آن بحث‌ها و منازعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انجام می‌شود و در آن سیاست‌های عمومی اتخاذ و اجرا می‌شود (Haslam et al, 2017: 139). در ادبیات توسعه، زمانی که حاکمیت با اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌ها در مدت زمانی کوتاه بتواند کشور را به توسعه برساند، دولت توسعه‌گرا خوانده می‌شود. نظریه دولت توسعه‌گرا در چارچوب رویکرد نهادگرایی، با در نظر گرفتن بستر سیاسی و اجتماعی جامعه، گامی است در جهت توسعه اقتصادی کشور. لغت ویچ به‌عنوان یکی از اندیشمندان نظریه دولت توسعه‌گرا، ویژگی اصلی این دولت‌ها را حرکت پایدار معطوف به توسعه می‌داند (معزی و وثوقی، ۱۳۹۷: ۳۵). در نظر او مهم‌ترین ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا، چه دموکراتیک و چه غیر دموکراتیک، شامل: نخبگان توسعه‌گرا، استقلال نسبی دولت، دیوان‌سالاری قدرتمند و کارآمد، جامعه مدنی ضعیف و تحکیم اقتدار دولت قبل از افزایش اهمیت سرمایه‌های داخلی و خارجی می‌باشد (لغت ویچ، ۱۳۸۴: ۲۱۴). با توجه به مقدمه فوق، این نتیجه به دست می‌آید که استراتژی توسعه به دولت فعال نیاز دارد و این نهاد باید با بر عهده گرفتن نقش رهبری، به هدایت فرایند توسعه پرداخته و با مداخله مؤثر و به موقع در هر امری، از دستیابی به فرایند توسعه اطمینان حاصل کند.

از میان کشورهای حاشیه خلیج فارس، دولت امارات متحده عربی نیز علی‌رغم ساختار سیاسی غیر دموکراتیک، توانسته است در سال‌های اخیر ضمن عملکرد اقتصادی و رفاهی بالا، مشروعیت لازم را برای نخبگان سیاسی حاکم در بین توده‌های اجتماعی ایجاد نماید. با بررسی شاخص‌های توسعه انسانی در کشور مذکور این مهم به دست می‌آید که حکومت در جهت ارتقاء این شاخص‌ها بسیار تلاش نموده و توانسته طبق گزارش سالانه توسعه انسانی، هم‌ردیف کشورهای با توسعه انسانی خیلی زیاد و کشورهای مرفه جهان قرار گیرد. در نتیجه بررسی کوتاه فرایند توسعه در کشور امارات متحده عربی، واکاوی الگوی توسعه در این کشورها ضرورت می‌یابد و این سؤال مطرح می‌شود، دولت امارات متحده عربی چگونه توانسته در مسیر دستیابی به توسعه این کشور تأثیر داشته باشد؟ فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است که فرایند توسعه در کشور امارات دولت‌محور بوده و اقدامات و راهبردهای به کار گرفته شده از سوی دولت توسعه‌گرا عامل اصلی توسعه در این کشورها می‌باشد. چارچوب پژوهش

بر اساس تئوری دولت توسعه‌گرا از نظر آدریان لفت ویچ و به روش توصیفی-تحلیلی است و نشان می‌دهد که این کشور با دارا بودن دولتی توسعه‌گرا توانسته بسترهای رشد اقتصادی و توسعه‌ای را فراهم آورد. نتایج حاصل از این نوشته می‌تواند در مطالعات آینده پژوهی و دستیابی به الگوی کارآمد برای سیاستمداران کشور در جهت کسب توسعه پایدار مفید واقع گردد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در باب دولت توسعه‌گرا، کشور امارات متحده عربی و وضعیت توسعه آن صورت گرفته است، اما پژوهشی که مستقیماً به موضوع حاضر بپردازد وجود ندارد. برخی از پژوهش‌ها در این باب عبارت هستند از:

- ۱- آدریان لفت ویچ (۱۳۸۴) در اثر خود با نام «سیاست و توسعه در جهان سوم»، بیان می‌دارد که توسعه در کشورهای جهان سوم مستلزم ایجاد یک سیستم سیاسی خاص با عنوان دولت توسعه‌ای می‌باشد.
- ۲- محمدتقی دلفروز (۱۳۹۳) در کتاب «دولت و توسعه اقتصادی»، به نقش دولت‌ها در رسیدن به توسعه اقتصادی تحت تأثیر اندیشه لفت ویچ می‌پردازد. او همچنین پس از واکاوی مفهوم دولت‌های توسعه‌گرا و غیر توسعه‌گرا، مروری توصیفی و تاریخی بر فرایند توسعه اقتصادی در دولت توسعه‌گرا ارائه کرده است؛ سپس نوع رژیم‌های سیاسی دولت‌های توسعه‌گرا در نمونه‌های موفق را بررسی نموده و در پایان به بررسی شاخص‌های آنها می‌پردازد.
- ۳- لفت ویچ (۲۰۰۵) در «Democracy and Development: Is There Institutional Incompatibility» بر وجود یک دولت قوی تأکید می‌کند.
- ۴- احمد رسول رسول (۲۰۲۰) در مقاله «نگاهی به مفهوم دولت‌سازی در جوامع در حال توسعه»، توانایی دولت در سیاست‌گذاری و وجود یک دولت توسعه‌گرا را از مهم‌ترین دلایل رشد و پیشرفت کشورهای در حال توسعه دانسته و موانع این راه را توضیح می‌دهد. هرچند این مقاله از باب دستیابی به علل توسعه و موانع دستیابی به آن در جوامع در حال توسعه کمک شایانی بوده است، اما تصویری کامل از ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا ارائه نمی‌دهد.

وجه تمایز نوشته حاضر، ارائه ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا و همچنین تشریح اقدامات مؤثر دولت توسعه‌گرا با تأکید بر کشورهای امارات متحده عربی می‌باشد. برخی از پژوهش‌ها درباره کشور امارات متحده عربی نیز عبارت هستند از:

- ۵- حسن عبدالهی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «جهانی شدن اقتصاد و توسعه اقتصادی امارات متحده عربی از ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۷ میلادی»، این چنین نتیجه می‌گیرد که امارات متحده عربی با اتخاذ سیاست‌های مناسب و درکی عمیق از ظرفیت‌ها و پتانسیل جهانی شدن اقتصاد در توسعه اقتصاد ملی، توانسته است از این پدیده در جهت توسعه کشور خویش بهره‌برداری کند.
- ۶- شیرزادی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی» پس از بررسی سیر تحول مفهوم توسعه و مطرح‌سازی نظریه توسعه انسانی، به تحولات سیاسی عمده و روندهای جاری اقتصادی و تحلیل توسعه انسانی در کشور امارات می‌پردازد.
- ۷- می داروویچ (۲۰۲۰) در مقاله «Escalation in Failed Military Interventions: Saudi and Emirati Quagmires in Yemen» سیاست خارجی امارات در سه دهه پس از تأسیس را بررسی و تحلیل می‌کند. او با تبیین سند چشم‌انداز ۲۰۲۱، امارات متحده عربی را به عنوان یک الگو در منطقه برای ترکیب پایبندی به سنت و در عین حال دستیابی به موفقیت اقتصادی و سیاسی در عصر جهانی شدن معرفی می‌کند. این پژوهش سیاست خارجی این کشور و استراتژی‌های دولت امارات در عرصه بین‌المللی را تشریح می‌کند.
- همان‌طور که در پژوهش‌های مذکور قابل مشاهده است، هر کدام از پژوهشگران بر اساس متغیرهایی به توسعه انسانی یا اقتصادی در امارات متحده عربی پرداخته‌اند؛ اما پژوهش حاضر به بررسی روند توسعه در کشور امارات متحده عربی بر اساس الگوی دولت توسعه‌گرا از دیدگاه آدریان لغت و بیچ خواهد پرداخت. در نتیجه از حیث موضوع مورد بررسی و جامعیت، پژوهشی نو و متفاوت محسوب می‌شود.

۱- چارچوب مفهومی

۱-۱- دولت توسعه‌گرا

پیرامون توسعه همواره دو دیدگاه متضاد وجود داشته است؛ تأکید دیدگاه اول، بر توسعه با محوریت دولت^۱ و مداخله و کنترل دولت بوده و دیدگاه دیگر، از نقش و دخالت حداقلی آن حمایت می‌کند. اما در واقع، دولت تجارب موفق در پیشبرد توسعه جوامع مختلف دارا بوده که می‌توان آخرین نمونه‌های آن را در جنوب شرقی آسیا مشاهده کرد. به بیان بهتر، مداخله آگاهانه و صحیح دولت به‌ویژه در جوامع

غیر غربی که روند تاریخی و اجتماعی متفاوتی را طی کرده‌اند، مورد تأکید بوده (هراتی و زیرکی حیدری، ۱۳۹۷: ۲۷۵) و از جمله استراتژی‌های این منطقه برای پیشبرد فرایند توسعه است. «معجزه» اقتصادی در ژاپن پس از جنگ و کشورهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی (کره جنوبی، سنگاپور و تایوان) از دهه ۱۹۷۰ اساساً ناشی از سیاست‌های فعال صنعتی، تجاری و فناوری بود که توسط دولت معرفی شد. توسعه سریع صنعتی ژاپن، از طریق مداخله دولت با «برنامه عقلانی» برای ایجاد «محتوا و اهداف اجتماعی و اقتصادی» که فرایندهای توسعه را هدایت می‌کند، استدلال شده است (Johnson, 1982: 19). همچنین در دیگر کشورهای توسعه‌یافته آسیای شرقی، دولت‌ها به طور فعال در تقویت پایه‌های مهارتی و قابلیت‌های فناوری کشورها از طریق یارانه‌ها، آموزش، تحقیق و توسعه مشارکت داشتند (Peet, 2015: 75). به این ترتیب بود که اصطلاح «دولت توسعه» با توجه به مطالعات چالمرز جانسون^۱ ایجاد گردید. البته اکنون ادبیات قابل توجهی در مورد این دولت‌ها وجود دارد (Leftwich, 2011: 395). باید بیان داشت که دیدگاه دولت توسعه‌گرا بر این عقیده است که برای تحقق مراحل اولیه توسعه، تنها وجود دولت متمرکز و اقتدارگرا می‌تواند نیروهای مزاحم توسعه را سرکوب کند (رنجبر و صیاد، ۱۳۹۲: ۸۷) و برخی از منافع مقطعی در زمان‌های مختلف را به عهده گیرد و به طور مؤثر با ترویج اهداف توسعه ملی خود به آن دست یابد (Leftwich, 2005: 696). دولت‌های توسعه‌یافته موفق استراتژی «دوستانه بازار» را دنبال می‌کنند و با برنامه‌های گسترده موجب توانمندسازی اقتصادی می‌شوند، به طوری که افراد به حاشیه رانده شده اقتصادی را به طور کامل وارد فعالیت‌های اقتصادی مولد می‌کنند (Leftwich, 1993: 620). در واقع رکن اساسی این توسعه وجود همان دولت قوی است. پس از دهه ۱۹۹۰ میلادی و تأکید بر لزوم هماهنگی دولت و بازار، این نهاد در مقام سکان‌دار کشتی توسعه برآمد (ایوانز، ۱۳۸۰: ۱۳)، در نتیجه این طرز تلقی موجب شکل‌گیری الگویی برای توسعه تحت عنوان «دولت توسعه‌گرا» گردید.

با ظهور دولت توسعه‌گرا پس از قرن نوزدهم تا کنون، شکلی انتقالی و موقت از دولت مدرن در جوامع در حال توسعه ایجاد شده که نخبگان بروکراتیک و سیاسی آن، برای پیشبرد برنامه رشد سریع اقتصادی و صنعتی شدن به منظور رسیدن به سایر بازیگران جهانی و منطقه‌ای به لحاظ شاخص‌های اقتصادی و نظامی، از مزیت استقلال نسبی خود از دیگر نیروهای سیاسی-اجتماعی استفاده نموده‌اند. این دولت‌ها

برای کسب مشروعیت از ایجاد بهبودی مستمر در زندگی مادی و اجتماعی مردم یا ابزار زور و خشونت بهره می‌برند (لفت ویچ، ۱۳۸۴: ۲۲۳). برخی از اندیشمندان مانند پیتر ایوانز^۱، آدریان لفت ویچ^۲، برنل^۳ و بسیاری دیگر، دولت را بازیگر اصلی توسعه در یک کشور دانسته و پیرامون دولت توسعه‌گرا به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. با توجه به اینکه الگوی مورد تأکید در این مقاله بر اساس ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا از نظر لفت ویچ می‌باشد، ذکر مختصر این مفهوم از دیدگاه وی ضرورت می‌یابد.

۱-۲- دولت توسعه‌گرا در نظر لفت ویچ

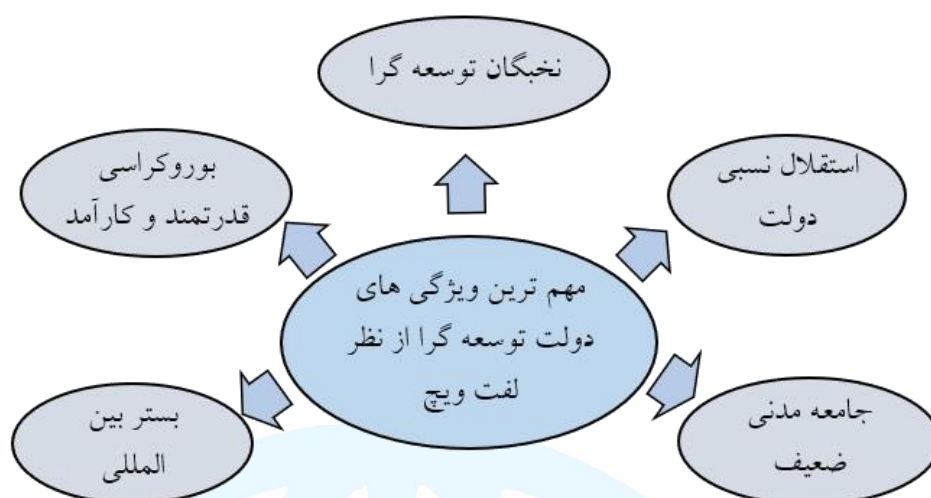
آدریان لفت ویچ با بیان اینکه دولت توسعه‌گرا قادر به تولید حرکت پایدار معطوف به توسعه است، دولت توسعه‌خواه را دولتی می‌داند که اهداف سیاسی و ساختارهای نهادی همراه با جهت‌گیری توسعه‌ای، نشان‌دهنده عملکرد موفق توسعه اقتصادی و اجتماعی آن است. به عقیده وی دولت در این دستگاه سیاسی، با برخورداری از عزم، استقلال، مشروعیت و قدرت کافی و با تأمین زیرساخت‌های مختلف سیاسی، حقوقی، اجتماعی و امنیتی در صدد دستیابی به اهداف توسعه‌ای می‌باشد (معزی و وثوقی، ۱۳۹۷: ۳۵). لفت ویچ، پیشرفت و عدم پیشرفت کشورها را با تمرکز بر نوع دولت و سیاست به عواملی از قبیل حفظ ثبات داخلی، پذیرش در بازارهای اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی، ارتباط مثبت با اقتصادهای برتر، استقلال نسبی دولت، قوه مجریه و سیستم اداری کارآمد، نرخ فساد و رشوه‌خواری پایین، توافق حداقلی بین گروه‌ها و مناطق درباره اهداف رشد و قوانین باز برای حصول آن، افزایش درجه برابری اجتماعی در زمینه توزیع هزینه‌ها و منافع مربوط می‌داند. از نظر او، مهم‌ترین ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا عبارت هستند از: اداره دولت توسط نخبگان حکومتی توسعه‌گرا، استقلال نسبی دولت، بوروکراسی کارآمد، جامعه مدنی ضعیف و بستر بین‌المللی (نبوی، ۱۳۹۰: ۱۹۲) که این مؤلفه‌ها اجزای نظریه را تشکیل می‌دهند. در نتیجه با تأکید بر ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا از نظر آدریان لفت ویچ، در پژوهش حاضر توسعه در کشور امارات متحده را بررسی و تبیین می‌نماییم.

1- Peter Evans

2 - Adrian Leftwich

3 - Burnell

نمودار ۱: ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا



۲- نقش دولت امارات متحده عربی در مدار توسعه

امارات متحده عربی کشوری غیر دموکراتیک و سلطنتی است که یکی از بهترین بخش‌های دولتی را در جهان دارد. مشخصه دولت در امارات متحده عربی، چشم‌انداز بلندپروازانه آن، برای توسعه ملی و تعهد به دستیابی به نتایج اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با کیفیت بالا است. این امر توسط یک دستگاه دولتی که به شیوه‌ای باز و شفاف عمل می‌کند و در چارچوب عملکرد سیستماتیک، خدمات اجتماعی ماهرانه و مکانیسم‌های کارآمد و نوآورانه برای ارائه خدمات عمومی پشتیبانی می‌شود، به دست آمده است.

مقامات دولت فدرال امارات متحده عربی سیاست‌های اصلی و ارائه خدمات شامل روابط خارجی، دفاع، سیاست‌های داخلی، سیاست‌های زیست محیطی، آموزش متوسطه و عالی، بهداشت، سیاست‌های اقتصاد کلان و غیره را مدیریت می‌کنند و دولت‌های محلی نیز مسئول ارائه خدمات شهری، حمل و نقل عمومی و غیره مطابق با سیاست‌ها، استراتژی‌ها و استانداردهای فدرال هستند. با این حال، هر یک از امارت‌ها دارای استقلال قابل توجهی برای شکل دادن به مسیر توسعه خود با استفاده از چشم‌انداز ملی ۲۰۲۱ امارات متحده عربی، به‌عنوان الگویی برای برنامه‌ریزی آینده بوده است (VNRs/High-Level Political Forum, 2018: 10). بنا بر مطالب فوق، مسیر پیشرفت و توسعه این کشور به واسطه دولت فعال آن پیگیری می‌شود.

اولین دهه توسعه امارات متحده عربی در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد. هم‌زمان با افزایش گسترده

در تولید و صادرات نفت و به دنبال آن افزایش انفجاری قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ میلادی (Shihab, 2001: 249) و بدون شک سیل درآمدهای عظیم ناشی از آن، به دولت امارات متحده عربی این امکان را داد تا روند معمولاً دشوار و طولانی پس انداز و انباشت سرمایه لازم برای توسعه اقتصادی را کوتاه کند و علاوه بر هزینه‌های جاری چون حقوق، دستمزد و خرید، پروژه‌های توسعه‌ای در زمینه تولید و خدمات و نیز پروژه‌های زیربنایی را به طور مستقیم تأمین مالی کند (Saad Omaira, 2001: 4). این درآمدهای باد آورده که عمدتاً به منظور تقویت «یک بار برای همیشه» زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی به کار گرفته شد، به امارات متحده عربی این امکان را داد که در بازه زمانی کوتاه به درجه‌ای قابل توجه از توسعه اقتصادی دست یابد (Shihab, 2001: 249) به طوری که امروزه امارات به سطح درآمدی قابل مقایسه با کشورهای صنعتی دست یافته است. مشاهده و بررسی شاخص GDP نشان می‌دهد که رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال‌های قبل افزایش قابل توجهی داشته است (جدول شماره ۱).

جدول ۱: GDP (current US\$) امارات

سال	کشور
۲۰۲۲	۵۰۷۵۳
۲۰۲۰	۳۴۹۰۶۷
۲۰۱۸	۴۲۷۰۵
۲۰۱۶	۳۶۹۰۲۶
۲۰۱۲	۳۸۴۶۱
۲۰۰۸	۳۱۵۴۷
۲۰۰۴	۱۳۷۸۶
۲۰۰۰	۹۰۳۴
۲۰۰۰	۱۰۴۳۴

(data.worldbank.org/country/united-arab-emirates?view=chart)

هرچند که امارات متحده عربی از زمان تشکیل خود از ثبات سیاسی برخوردار بوده اما به رغم پیشرفت اقتصادی و سطح بالای رفاه، این کشور در سطح پایینی از نظر مشارکت و آزادی‌های سیاسی قرار دارد و به جنبه‌های مختلف توسعه سیاسی توجه کافی نمی‌شود. حاکمان امارات سعی می‌کنند تقاضاهای سیاسی را از طریق اعطای منافع اقتصادی و آزادی‌های اجتماعی به اتباع خود، کاهش دهند و در نتیجه، توزیع درآمدهای عظیم نفتی در قالب زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی، استاندارد بالای خدمات اجتماعی مانند بهداشت، آموزش بالا و داشتن یک زندگی خوب برای شهروندان امارات متحده عربی، احتمال وقوع ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی داخلی را کاهش داده است (Shihab, 2001: 250) و این

کشور در حال اجرا و در نتیجه دستیابی به شاخص‌های توسعه پایدار است. شاخص‌های مهم توسعه انسانی امارات متحده عربی نشان می‌دهد که در جهت ارتقاء این شاخص‌ها تلاش زیادی کرده، به طوری که در رده کشورهای با توسعه انسانی خیلی زیاد و در کنار کشورهای مرفه جهان در گزارش سالانه توسعه انسانی قرار گرفته است. جدول شماره ۲ رتبه این کشور در گزارش‌های مختلف توسعه انسانی منتشر شده توسط برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) طی سال‌های متفاوت را نشان می‌دهد.

جدول ۲: رتبه کشور امارات در شاخص توسعه انسانی

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۹	۲۰۱۴	۲۰۱۶	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۲
رتبه	۴۵	۴۱	۳۵	۴۰	۴۲	۳۵	۳۱	۲۶

(hdr.undp.org/content/human-development-report-2000-22)

با ارزیابی وضعیت توسعه و برخی شاخص‌های توسعه امارات متحده عربی، در می‌یابیم که پیشرفت‌های چشمگیری در بسیاری از شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی داشته و این اهداف همچنان در تلاش برای حفظ توسعه ملی در نظر گرفته می‌شوند. همچنین با یادآوری این مطلب که توسعه یک کشور به طور قابل توجهی تحت تأثیر قوانین و سیاست‌های دولت‌های مرکزی و محلی است (Shihab, 2001: 260)، در نتیجه ابلاغ قوانین دولت امارات برای سازماندهی اقتصاد، صنعت و فناوری و... بوده که هم در شاخص توسعه انسانی و هم بر اساس معیارهای شاخص تولید ناخالص داخلی در کنار کشورهای با درآمد بالا قرار دارد. توسعه اقتصادی و انسانی این کشور مرهون تأکیدات دولت امارات به طور عام و رئیس‌جمهور امارات متحده عربی به طور خاص، بر این است که هدف اساسی توسعه، رفاه جامعه و تضمین تداوم آن برای حال و آینده است.

۳- الگوی دولت توسعه‌گرای امارات متحده عربی

دولت‌ها در کشورهای مختلف با توجه به تفسیری که از توسعه دارند و بر اساس توانمندی و ظرفیت‌شان ویژگی‌های متفاوتی دارند. اصولاً در دولت توسعه‌گرا، دولتمردان درگیر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی خرد و کلان برای حصول رشد اقتصادی هستند. از جمله الزامات برنامه‌ریزی توسعه‌ای دولت‌های توانمند عبارت هستند از: دستیابی به فناوری و دانش جدید، بسیج و هدایت منابع در بخش‌های مولد، تضمین حقوق مالکیت، ترویج حاکمیت قانون، اجرای صحیح مقررات، بودجه‌ریزی

مناسب، ارائه مشوق‌ها به بخش خصوصی، ارائه خدمات اجتماعی گسترده، ایجاد بوروکراسی کارآمد، کاهش سطح فساد و بهبود کیفیت نظارتی، تمرکززدایی جهت کاهش رفتار رانت‌جویی، پاسخگویی و همچنین شفافیت بیشتر دولت (محمدی‌فر و کاظمی، ۱۴۰۲: ۲۵۴). به بیان کلی، آماده‌سازی شرایط و فضا جهت رشد و توسعه اقتصادی در عرصه داخلی و بین‌المللی، از وظایف اصلی دولت توسعه‌گرا است. در دولت توسعه‌گرا، اتصال به جامعه با پیوستن به نخبگان صنعتی ایجاد می‌شود. همچنین دستگاه دولتی منسجم و مستحکم موجب تسهیل سازماندهی سرمایه می‌شود و نیز، طبقه سازمان یافته صنعتگران اجرای پروژه‌های مشترک صنعتی و توسعه‌ای را تسهیل می‌کنند. لفت ویچ این مدل از دولت را بخشی از سرمایه‌داری و در کنترل اقتصاد، آن را مستقل‌تر و خودگردان دانسته و گاهی آن را سرمایه‌داری توسعه دولت می‌نامد. دولت توسعه‌گرا از دخالت شدید دولت در برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری، شناخته می‌شود (لاهوریان، ۱۳۹۵: ۶۹). امارات متحده عربی نیز به واسطه اقدامات و برنامه‌های توسعه‌ای نخبگان حاکم تا حدود زیادی در ردیف دولت‌های توسعه‌گرا قرار داد. در ذیل سعی خواهیم کرد که بر اساس ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا، اقدامات دولت امارات را نیز مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

۳-۱- نخبگان توسعه‌گرا

دولت‌های توسعه‌گرا، توسط نخبگان توسعه‌گرا^۱ اداره می‌شوند. توصیه و راه‌حل بسیاری از اندیشمندان اقتصاد توسعه، گردآوری این افراد نخبه در ذیل یک دستگاه مجری سیاست صنعتی و فراهم آوردن فضای مورد نظر برای افزایش کارآمدی‌شان تحت عنوان «جزایر شایستگیان»^۲ است (جعفرتاش و رجب‌پور، ۱۳۹۹: ۸). در عرصه داخلی باید اجماعی بین نخبگان در زمینه مفهوم توسعه، مسیر دستیابی به آن و آینده وجود داشته باشد. به بیان دیگر نخبگان اجرایی و علمی می‌بایست در ارتباط با هدف، مسیر و نهایتاً برنامه‌های توسعه با یکدیگر به اجماع نظر برسند، در این صورت است که می‌توان امید داشت انرژی یک کشور در مدت زمان مشخصی، صرف توسعه کشور شود (El Khatib et al, 2021: 580). در این راستا باید ذکر نمود که شکل حکومت سلطنتی فدرال در امارات مستلزم رهبری و ظرفیت سیاسی قوی است که به امارات متحده عربی این امکان را داده تا با هماهنگی میان امارات، اقدامات پیشگیرانه سریع و فوری انجام دهد. تمرکز سیاسی و سیستم مدیریت از بالا به دولت امارات کمک کرده تا تصمیمات سیاسی قاطع و ظرفیت عملیاتی مبتنی بر دستور را اتخاذ کند و هماهنگی و همکاری

1 - Development Elite

2 - Islands of Excellence or Pockets of Effectiveness

بهتر بین دولتی را برای اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی و برنامه‌های توسعه‌ای داشته باشد (Sahu, 2021: 259). استراتژی‌های کلی این کشور تحت مجموعه‌ای از اسناد کلان و طرح چشم‌اندازها تشکیل شده است. یکی از این اسناد زیربنایی، سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ است. عمده‌ترین اقدام نسل جوان رهبری امارات نیز در سیاست‌های کلان اقتصادی، که هدف اصلی آن دستیابی به نرخ‌های رشد کلان و خرد بالا است، تنوع‌بخشی به اقتصاد رانتیر این کشور در چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰۲۱ است که شیخ محمد بن راشد آل مکتوم معاون رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و حاکم دبی در سال ۲۰۱۰ میلادی، آن را تصویب کرد. هدف کلی سند مذکور، تغییر وضعیت کشور و نهایتاً اینکه تبدیل به یک کشور مطرح و قابل ملاحظه از نظر اقتصادی و تجاری گردد (زیبایی، ۱۳۹۹: ۳۱۹). همچنین امارات متحده عربی استراتژی توسعه بلند مدت خود موسوم به UAE Continental 2017 و نیز National Agenda را در ۲۰۲۱ منتشر کرد. هر دو استراتژی بر گذار به یک اقتصاد دانش‌محور قرار دارد که بر افزایش تولید، افزایش رقابت‌پذیری شرکت‌های داخلی و سرمایه‌گذاری در بخش فناوری‌های سطح بالا مبتنی است. علاوه بر سیاست‌های اجرا شده، تعدادی از سیاست‌های کلی در حال اعمال است که مهم‌ترین آنها عبارت هستند از: سیاست‌های مالی، تجاری، سرمایه‌گذاری و خصوصی‌سازی.

۲-۳- استقلال نسبی دولت^۱

از نظر لفت ویچ، استقلال^۲ به معنای آزادی عمل نسبی دولت در برابر خواست‌های گروه‌های هم سود داخلی و خارجی با علایق خاص طبقاتی، منطقه‌ای یا ناحیه‌ای می‌باشد (هراتی و زیرکی حیدری، ۱۳۹۷: ۲۶۸). دولت در این کشورها ضمن اینکه به‌عنوان ابزار طبقه مسلط عمل می‌کند و در رابطه با نظام تولید سرمایه‌داری فقط استقلال نسبی دارد، از سوی دیگر منافع و اهداف خاص خود را دارد. فقدان خودمختاری کامل از سوی دولت، در عین حال که محدودیتی برای نخبگان سیاسی است، فضا و ضرورت را برای تشکیل اتحادها و ائتلاف‌ها ایجاد می‌کند (Porto, 2020: 358). در نتیجه، تعامل با گروه‌های اجتماعی از جمله مؤلفه‌های این دولت است. امارات متحده عربی همچون سایر پادشاهی‌های نفتی با موفقیت حس مشروعیت را بین بخش اعظم جمعیت به طور کلی و قبایل به طور خاص ترویج نموده است. آنان نهادها و الگوهای حکومت را به گونه‌ای توسعه داده‌اند که آسیب‌پذیری‌شان را در برابر شورش‌های عمومی یا تهدیدات داخلی مشابه تا حد زیادی کاهش داده و حفظ ثبات را در کشور

1 - Relative Autonomy

2 - Autonomy

برقرار نمایند. در چنین نظام‌های سیاسی اطاعت از کسی صورت می‌گیرد که موقعیت اقتداری را که بر اساس سنت مقدس است را به دست گیرد و فرد مسلط در محدوده خود به وسیله سنت‌ها احاطه می‌شود و جامعه نیز به خاطر وفاداری شخصی از حاکم اطاعت می‌کند. در پادشاهی‌های نفتی خاورمیانه وجود این نوع از اقتدار سنتی بدون حمایت‌های اجتماعی و سیاسی گسترده قبيله ممکن نبوده است. گرچه در معادلات سیاسی در دهه‌های اخیر، هنوز هم هویت و ارزش‌های قبيله‌ای، علی‌رغم یک جا نشینی و نوگرایی فزاینده قبایل، نقش برتر را ایفا می‌کنند و سلطنت نیز تا حد زیادی نهادینه شده و با قبایل تماس کمی دارد اما در سطح نهادهای سیاسی جوهر قبيله‌گرایی در خاندان سلطنتی خلاصه شده است. بنابراین همچنان اعمال قبيله‌ای مانند «شورا» و نهادهایی چون «مجلس» (یک شورای مشورتی غیر رسمی) به عنوان عناصر نمادین در شیوه حکومتی دولت به شمار می‌روند.

در امارات متحده عربی، گروه‌های قبيله‌ای یکی از نهادهای خود دولت محسوب می‌شوند و موقعیت‌شان از طریق قانون‌گذاری مشخص شده و به این دلیل که جذب این قبایل در دولت به اندازه کافی صورت نگرفته، تمامی پادشاهی‌های نفتی به منظور ایجاد و تقویت پیوندهای پیروزمندانه با سران و افراد قبایل و تقویت پیوندهای موجود با قبيله خودشان و قبایل دیگر، به آنها آموزش‌های دولتی، خدمات پزشکی، غذاهای سوبسیددار، خانه و شغل ارائه می‌دهند (کامروا، ۱۳۷۸: ۱۶۴). ظرفیت سیاسی دولت امارات نشان می‌دهد که رهبران سیاسی کشور در پیوند دادن ظرفیت حکمرانی با مشروعیت موفق بوده‌اند و تأکید می‌کند که امارات از منابع کافی و اراده سیاسی کافی برای مدیریت کشور برخوردار است (Sahu, 2021: 261) و این نقش محوری دولت در بازار واقعی سرمایه است که به تقویت موقعیت مسلط خاندان سلطنتی در رابطه با گروه‌های اجتماعی گوناگون می‌پردازد. حکومت و دولت در امارات متحده عربی نیز به طور سیستماتیک بازار واقعی سرمایه و سیاست‌های حمایتی به منظور حفظ سلطه و مشروعیت در رابطه با جامعه را به کار می‌بندند (کامروا، ۱۳۷۸: ۱۶۶). خاندان سلطنتی و حکومتی امارات به واسطه ماهیت ذاتاً متحد آن تقویت شده و ضمن برخورداری از استقلال عمل، به تعامل با سایر گروه‌های جامعه خویش می‌پردازد.

۳-۳- بوروکراسی قدرتمند و کارآمد

تشکیل بوروکراسی‌هایی با توانایی فنی و مدیریتی بالا، مقتدر و با صلاحیت، سومین ویژگی دولت‌های توسعه‌خواه در نظر لفت ویچ است (Leftwich, 1995: 411). استخدام افراد بر اساس شایستگی، توانایی تخصصی، فنی و مدیریتی باعث شده تا ثبات شغلی در دیوان‌سالاری‌های این دولت‌ها بالا باشد. در

نتیجه این وضعیت، این امکان فراهم می‌شود که برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی به دست نیروهای توانمند و در مسیر تحقق اهداف ملی و جلب توجه همکاری نخبگان اقتصادی صورت گیرد (احمد رسول، ۲۰۲۰: ۴۱۴). بوروکراسی قوی منشأ ظرفیت و توانمندی^۱ دولت است و موجب ارتقای آن می‌شود و در جهت پیشبرد توسعه اقتصادی به کار می‌رود. ایوانز معتقد است دولت‌های توسعه‌گرا ضمن سرپرستی تحول صنعتی، در ایجاد توسعه نیز نقشی اساسی دارند (ایوانز، ۱۳۸۰: ۴۴). چشم‌اندازهای امارات متحده عربی بیانگر این است که در میان بهترین کشورهای جهان قرار گیرد و همگام با برنامه‌ها و پروژه‌های پیشرو اجرا شده توسط این کشور در زمینه توسعه دولتی، توسعه خدمات، نوآوری و شکل دادن به آینده باشد. همچنین شامل کنار آمدن با روندهای مدرن در مدیریت بخش دولتی برای رسیدن به موقعیت رهبری در همه زمینه‌ها است (Al Zaabi, 2019: 8). برای نمونه ارائه سیستم آموزشی درجه یک از دستور کارهای دولت در چشم‌انداز ۲۰۲۱ بوده است. دستور کار ملی امارات بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰۲۱ مشتمل بر آرزوهای شهروندی، روحیه کارآفرینی، پیشرفت تحصیلی و اقتصاد مبتنی بر دانش است که توسط نوآوری، تحقیق، علم و فناوری هدایت می‌شود. در حال حاضر دولت امارات متحده عربی در راستای تحقق این چشم‌انداز که اساساً توسعه اقتصادی را در پی دارد، اقدامات و تلاش‌های بسیاری نموده است (Nowduri & Srinivas, 2019: 264). امارات متحده عربی در استفاده از تخصص و مهارت‌های خارجی در صنایع داخلی لیبرال بوده و نسبت به واردات کارگران غیر ماهر برای تقویت رشد اقتصاد داخلی مدارا نشان داده است. کشور امارات در جذب دانش و سرمایه انسانی غربی برای تحول اقتصادی خود موفق بوده است. این کشور با توجه به جمعیت کمی که دارد، مجبور است تعداد زیادی نیروی کار غیر ماهر، عمدتاً از آسیا وارد کند؛ این ورود جمعیت به قدری زیاد بوده که تعداد افراد غیر شهروند خارجی مقیم امارات متحده عربی اکنون چهار به یک از شهروندان آن بیشتر است (Nyarko, 2010: 11). همچنین این کشور با رشد شدید اقتصادی و ثبات سیاسی خود به دلیل جاذبه‌های توریستی و فرهنگی بسیار شهرتی به دست آورده است که طی سال‌های اخیر میلیون‌ها نفر را به مهاجرت و بازدید از شهر کشانده است (A.Allawi, 2017: 43). در نتیجه رشد سریع اقتصاد و همچنین جمعیت در چند سال گذشته در امارات متحده عربی، دولت عزم جدی خود را برای بهبود عملکرد ادارات دولتی و افزایش کارایی در تلاش برای

بهبود دسترسی شهروندان به خدمات عمومی ابراز کرده است (Al-Khouri, 2013: 79). برای مثال دبی از یک مدل توسعه اقتصادی پیروی کرده که به شدت طرفدار کسب و کار است، بر لیبرالیسم بازار و باز بودن اقتصادی تأکید می‌کند و از جهانی شدن استقبال می‌کند و در عین حال از به چالش کشیدن ساختار رهبری سنتی نئوپتریمونیال در کشور خودداری می‌کند (Schiliro, 2013: 7).

پس با مطالعه اقدامات دولت امارات متحده عربی در می‌یابیم که بوروکراسی این کشور به واسطه تحولات مختلفی که در حوزه صنعت و همچنین اقتصاد و تجارت و فناوری و... ایجاد نموده، در زمره دولت‌های توسعه‌گرا قرار می‌گیرد.

۳-۴- جامعه مدنی ضعیف

بنا به نظر لفت ویچ، عموماً دولت‌های توسعه یافته زمانی ظهور می‌یابند که در آن جامعه مدنی در هم شکسته شده یا ضعیف بوده است. منظور لفت ویچ از «جامعه مدنی» شبکه همه منافع و گروه‌های سازمان یافته خصوصی بالاتر از سطح خانواده، اما پایین‌تر از سطح دولت است (Leftwich, 1995: 415). این ویژگی در کنار سایر عوامل و ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا موجب رشد و توسعه اقتصادی شده و گرنه فقدان یا ضعف جامعه مدنی در کنار نخبگان غیر توسعه‌گرا و دیوان‌سالاری‌های ناکارآمد می‌تواند دولتی با عملکرد ضعیف، رها از هر گونه نظارت درونی و بیرونی در زمینه توسعه اقتصادی و رعایت حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مردم در پی داشته باشد (دلفروز، ۱۳۹۹: ۶۷). استفاده مشترک از قوانین و آژانس‌های امنیت داخلی، پلیس مخفی و سازمان‌های حزبی در تقویت دولت و کنترل جامعه مدنی در همه دولت‌های توسعه یافته یک روش استاندارد بوده است. ضعف جامعه مدنی اغلب در نتیجه حمله مستقیم دولت توسعه یافته جدید به آن بوده اما، به طرز متناقضی، موفقیت اقتصادی این کشورها باعث رشد یا ظهور مجدد یک جامعه مدنی بالقوه فعال شده است (Leftwich, 1995: 416).

به این ترتیب نظام حکومتی و ساختارهای سیاسی امارات نیز زیر سیطره نظام‌های پادشاهی با گرایشات قبیله‌ای، عشیره‌ای و مذهبی بوده و رهبران این کشور به‌عنوان منطبق سیاست و کشورداری برای بقای حکومت خود از این گرایش‌ها بهره گرفته‌اند. نظام‌های سیاسی حاکم در ساختار سیاسی خود اجازه مشارکت دیگر لایه‌های جامعه را نمی‌دهند (ساجدی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). امارات متحده عربی نه نهادهای منتخب دموکراتیک دارد و نه احزاب سیاسی و از سیستم انتخابات مردمی برخوردار نیست. شورای عالی فدرال حاکمان کشور را انتخاب می‌کند. رسانه‌های دولتی امارات روزنامه الاتحاد را منتشر می‌کند و صاحب ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی ابوظبی هستند. روزنامه دیگری به نام البیان نیز مانند اکثر

ایستگاه‌های تلویزیونی و رادیویی متعلق به دولت است. بزرگ‌ترین روزنامه‌های انگلیسی و عربی زبان این کشور، الخلیج و گلف نیوز، مالکیت خصوصی دارند. طبق قانون، شورای رسانه که توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شود، مجوز کلیه نشریات را صادر می‌کند و اعتبارنامه مطبوعاتی را برای سردبیران صادر می‌کند (United States Library of Congress, 2007: 19). شرط توفیق نظام حزبی در یک کشور، عدم وابستگی مالی مردم به دولت و استقلال رسانه‌ها از دولت است؛ به عبارتی، باید مجموعه تشکل‌های حزبی، سیستم قانونی و رسانه‌ها از مجموعه حاکمیت سیاسی و نظام اقتدار قوی‌تر باشد (خرمشاد و نجات‌پور، ۱۳۹۲: ۱۴۹) اما این در شرایطی است که فضای حکومتی امارات، اجازه فعالیت‌های اجتماعی، اتحادیه‌ها و سندیکاها را نمی‌دهد. همچنین دولت به واسطه رفاه اقتصادی که برای شهروندان خود فراهم ساخته، امکان هر گونه اعتراض و دخالت سیاسی را از آنان سلب نموده است. لذا توسعه سیاسی در این کشور رشد چندانی نداشته و جامعه مدنی ضعیف بر قدرت نخبگان حاکم افزوده است.

۳-۵- بستر بین‌المللی

بستر بین‌المللی خاص نیز از ویژگی‌های ظهور دولت‌های توسعه‌گرا در نظر لفت ویچ است. به طور خلاصه، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار خارجی بر توسعه این دولت‌ها عبارت هستند از: میراث استعماری، تلاش‌های توسعه منطقه‌ای، خطر گسترش کمونیسم و حمایت آمریکا از این کشورها، ایجاد ظرفیت‌ها و فضای گسترده توسعه اقتصادی، فقدان فشارهای نهادهای مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در کشورهای در حال توسعه، عدم سیطره گفتمان حقوق بشر و دموکراسی در آن مقطع خاص که می‌توانست به طور بالقوه در روند توسعه این کشورها اختلال ایجاد کند (دلفروز، ۱۳۹۹: ۶۷). بنابراین نظام بین‌الملل از عناصر مؤثر پیدایش و رشد این گروه از دولت‌ها است.

بررسی روند توسعه در کشور امارات متحده نشان می‌دهد که دولت با اتکا به منابع نفتی و جذب سرمایه‌های خارجی، توانسته است رشد اقتصادی و توسعه‌ای چشمگیری داشته باشد و علی‌رغم ضعف در شاخص‌های حکمرانی خوب به دلیل وجود فساد مالی، قاچاق، شرایط سیاسی بسته، این کشور به واسطه درآمدهای هنگفت نفتی و رشد اقتصادی و مدیریت و استفاده صحیح از منابع طبیعی خود، توانسته رفاه نسبی مردم را فراهم کند و ثبات سیاسی و امنیت کشور را در منطقه برقرار نماید (صدراپی، ۱۳۹۶: ۳۵) در ابتدا مطابق قانون اساسی در سال ۱۹۷۱ میلادی تصویر و موقعیت متواضعانه‌ای از این کشور بیان شد و خواست حاکم و مردم امارات ترویج زندگی بهتر، ثبات پایدارتر و جایگاه بین‌المللی

بالا تر بود. این استراتژی ایجاد تصویری از خود از طریق سخاوت مالی و اعتدال سیاسی در امور منطقه‌ای با تلاش‌هایی برای پرورش هویت متمایز برای دولت همراه بود (Darwich, 2020: 14). اسلام و عربیت شخصیت اصلی ملت امارات را تشکیل می‌دهد. وضعیت امارات به‌عنوان عضوی از اتحادیه عرب مشخصه سیاست خارجی و داخلی آن است. شهروندان همان حس تعلق به هویت عربی را دارند و معتقد هستند که مرزهای بین کشورهای عربی توسط امپریالیست‌ها به طور مصنوعی ترسیم شده‌اند (Almezaini, 2012: 23). اما حضور نظامی امارات در عرصه بین‌الملل، پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و حملات اسلام‌گرایان افراطی به آمریکا وارد مرحله جدیدی شد و دولتمردان این کشور، استفاده از قدرت هوشمند را در دستور کار قرار دادند (زیبایی، ۱۳۹۹: ۳۲۲). پس از آن در حالی که امارات به دنبال ایجاد تصویری بین‌المللی بود که بقای ملی را تضمین می‌کرد، قیام‌های عربی در سال ۲۰۱۱ میلادی فرصت‌های جدیدی را برای امارات متحده عربی برای ایفای نقش قاطعانه در امور منطقه‌ای فراهم کرد. با افول مراکز سنتی قدرت در خاورمیانه، امارات متحده عربی از این فرصت استفاده کرد و برای جلب توجه مخاطبان منطقه‌ای و بین‌المللی دست به «رویدادهای تغییر وضعیت» زد. پس از قیام‌های سال ۲۰۱۱، امارات متحده عربی بر منابع مالی خود تکیه کرد و از برنامه کمک آن به‌عنوان یک استراتژی مداخله‌جویانه برای شکل دادن به گذار در منطقه استفاده کرد. علاوه بر این، برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود به استفاده از ابزار نظامی پرداخت (Darwich, 2020: 14). از آن زمان تا کنون، امارات به‌عنوان بازیگر امنیتی دارای قدرت نظامی و توان تجاری بالا، در پی گسترش نقش منطقه‌ای خود است و به این منظور با در نظر گرفتن مناطقی خارج از نظام منطقه‌ای خلیج فارس، برای تغییر جایگاه خود در روابط بین‌الملل، به طرح‌ریزی برنامه‌هایی کلان پرداخته است. یکی از برنامه‌های دولت امارات برای تبدیل به یک بازیگر مؤثر در روابط بین‌الملل، این بوده که اسلام سیاسی را به مقابله با تروریسم پیوند بزند تا با همراه ساختن بازیگران بزرگ بین‌المللی با خود، اقداماتی در جهت مهار و مقابله با جریان‌های اسلامی در دو سطح ملی و فرا ملی به عمل آورد (زیبایی، ۱۳۹۹: ۳۲۱). پس چنین نتیجه گرفته می‌شود که بستر و شرایط بین‌المللی نیز امکان شکل‌گیری و تقویت دولت توسعه‌گرای امارات متحده عربی را فراهم نموده است.

نتیجه

هدف اولیه این پژوهش، واکاوی نقش دولت در توسعه امارات متحده عربی با تأکید بر الگوی دولت توسعه‌گرا از نظر آدریان لغت ویچ است. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش چنین نتیجه می‌گیریم که

حضور دولت مؤثر و توسعه‌خواه پیش شرط ضروری رشد و توسعه امارت متحده عربی بوده است. با جمع‌بندی ظرفیت تحلیلی امارات، مشخص می‌شود که دولت امارات با پیروی از الگوی دولت توسعه‌گرا و بهره‌گیری از سیاست‌ها و راهبردهای مختلف، توانسته است شاخص‌های اقتصادی و انسانی کشور را در عرصه داخلی و بین‌المللی توسعه دهد و جایگاهی در خور توجه در نظام جهانی کسب کند؛ هر چند عدم توجه کافی به توسعه سیاسی و جنبه‌های مختلف آن، از نقاط ضعف این کشور محسوب می‌شود. با تحلیل توسعه حکومت سلطنتی فدرال امارات بر اساس ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا با تأکید بر آراء آدریان لفت ویچ در می‌یابیم که اجماع نظر نخبگان حاکم در تصمیم‌گیری، تنظیم و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مالی و پولی، تجاری، سرمایه‌گذاری و تقویت بخش خصوصی، در بستر اجتماعی مناسب چون جامعه مدنی ضعیف و سیستم بوروکراسی کارآمد، ضمن برخورداری از استقلال عمل و ارتباط مؤثر سایر گروه‌های جامعه و محیط بین‌الملل موجب توانایی ملی و رشد و توسعه کشور شده است. دولت با تسلط بر درآمدهای نفتی به تقویت اقتصاد غیر نفتی و متنوع‌سازی آن در چارچوب اسناد چشم‌انداز ملی این کشور و اقتصاد دانش بنیان پرداخته است. در عرصه بین‌المللی نیز به واسطه به قدرت رسیدن رهبران توسعه‌گرا و عمل‌گرا بر حکومت، ترویج صلح و رفاه جهانی در رأس سیاست خارجی قرار گرفته و در نتیجه، نفوذ و قدرت کشور مذکور در جهان بیشتر شده است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمد رسول، رسول (۲۰۲۰). نگاهی به مفهوم دولت‌سازی در جوامع در حال توسعه. *مجله بین‌المللی مطالعات پیشرفته آکادمیک*، ۲(۴)، ۴۱۹-۴۱۳.
- ۲- ایوانز، پیتر (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی. ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- ۳- جعفر تاش، برزین، و رجب‌پور، حسین (۱۳۹۹). الگوی راهبردی حمایت از تولید ۱۶: نظریه استقرار سیاسی، چارچوبی برای فهم اقتصاد سیاسی حمایت از تولید. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. دفتر مطالعات اقتصادی (گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی). کد موضوعی: ۲۲۰، ش مسلسل: ۱۷۲۶۱.
- ۴- خرمشاد، محمدباقر، و نجات‌پور، مجید (۱۳۹۴). جریان توسعه‌گرایان لیبرال و توسعه پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر دولت). *دولت پژوهی*، ۱(۴)، ۱۱۹-۱۱۹.
- ۵- دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۹). دولت و توسعه اقتصادی: اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا. تهران: آگاه، چاپ چهارم.

- ۶- رنجبر، مقصود، و صیاد، محمدرضا (۱۳۹۲). ستیز دولت و بنیادگرایی اسلامی و تأثیر آن بر توسعه در خاورمیانه. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۳(۳)، ۸۳-۱۰۳.
- ۷- زیبایی، مهدی (۱۳۹۹). قدرت‌های متوسط نوظهور در خاورمیانه جدید: امارات متحده عربی و قطر. روابط خارجی، ۱۲(۲)، ۳۰۹-۳۳۶.
- ۸- ساجدی، امیر (۱۳۸۹). موانع توسعه دموکراسی در خاورمیانه. مطالعات سیاسی، ۲(۸).
- ۹- شیرزادی، رضا (۱۳۹۴). عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی. جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶(۲)، ۱۳۸-۱۱۹.
- ۱۰- صدرایی، سید صارم (۱۳۹۶). درآمدی بر مبانی نظری حکمرانی خوب (بررسی مقایسه‌ای وضعیت حکمرانی در امارات و بحرین). پژوهش ملل، ۲(۱۹).
- ۱۱- کامروا، مهران (۱۳۷۸). تحلیلی ساختاری از دولت‌های غیر دموکراتیک و آزادسازی سیاسی در خاورمیانه. ترجمه محمدتقی دلفروز، آزادسازی سیاسی خاورمیانه. مطالعات خاورمیانه، ۶(۴).
- ۱۲- لاهوتیان، علی (۱۳۹۵). دولت توسعه‌گرا و آینده آن در فرایند جهانی شدن. سیاست‌نامه علم و فناوری، ۶(۴)، ۷۶-۶۵.
- ۱۳- لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۴). سیاست و توسعه در جهان سوم. ترجمه علیرضا خسروی و مهدی میرمحمدی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۱۴- محمدی‌فر، نجات، و کاظمی، احسان (۱۴۰۲). شناسایی معیارهای ارزیابی ظرفیت دولت شکننده در برنامه‌ریزی توسعه‌ای و کاهش فقر. دولت پژوهی، ۹(۳۳)، ۲۵۸-۲۲۳.
- ۱۵- مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۰). سیاست تجاری امارات متحده عربی. گزارش مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی، تهران.
- ۱۶- معزی، علی، و وثوقی، سعید (۱۳۹۷). نسبت «امنیت» و «توسعه» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. سیاست جهانی، ۷(۲)، ۵۴-۲۷.
- ۱۷- نبوی، عبدالامیر (۱۳۹۰). ایران و دولت توسعه‌گرا (۱۳۵۷-۱۳۲۰). علوم سیاسی، ۶(۳)، ۲۲۴-۱۸۷.
- ۱۸- هراتی، محمد جواد، و زیرکی حیدری، علی (۱۳۹۷). «نفرین منابع» و ناکامی الگوی «دولت توسعه‌گرا» در دولت‌های نفت‌خیز خاورمیانه. سیاست جهانی، ۷(۳)، ۲۸۹-۲۶۳.

منابع غیر فارسی

- 1- A. Allawi, Hannah. (2017). Phases of Development: A Cultural, Societal and Environmental Overview of Abu Dhabi's Urban Morphology. *GSTF Journal of Engineering Technology (JET)*, 4(2).
- 2- Almezaini K.S. (2012). The UAE and Foreign Policy: Foreign Aid, Identities and Interests. New York: Routledge.
- 3- Al-Khouri, Ali. (2013). Connected Government: An Exploration of the UAE's Identity Management Integration Strategy. *Business and Management Horizons*, 1(1).

- 4- Al Zaabi, Marwan. (2019). Viewpoint driving an ambitious vision with excellence the UAE Government excellence model. *International Journal of Excellence in Government*, 1(1), 8-14 Emerald Publishing Limited 2516-4384. The current issue and full text archive of this journal is available on Emerald Insight at: www.emeraldinsight.com/2516-4384.htm.
- 5- Darwich, M. (2020). Escalation in Failed Military Interventions: Saudi & Emirati Quagmires in Yemen. *Glob Policy*, 11:103-112. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/1758-5899.12781>.
- 6- Haslam, Paul A et al. (2017). Introduction to International Development Approaches, Actors, Issues, and Practice. Oxford University Press Canada, p139.
- 7- Johnson, Chalmers. (1982). MITI and the Japanese Miracle: The Growth of Industrial Policy 1925-1975. Stanford, California: Stanford University Press.
- 8- Leftwich, Adrian. (1993). Governance, democracy and development in the Third World. *Third World Quarterly*, 14(3), 605-624. Doi:10.1080/01436599308420345.
- 9- Leftwich, Adrian. (1995). Bringing politics back in: Towards a model of the developmental state. *The Journal of Development Studies*, 31(3), 400-427.
- 10- Leftwich, Adrian. (2005). Democracy & development: Is there institutional incompatibility? *Democratization*, 12(5), 686-703. Doi:10.1080/13510340500322173.
- 11- Leftwich, Adrian. (2011). Developmental States, Effective States, and Poverty Reduction: The Primacy of Politics. *Indian Journal of Human Development*, 5(2).
- 12- Nowduri, Srinivas. (2019). A Comparative Study between Learning Organizational Framework and UAE Government Initiatives. *Archives of Business Research*, 7(12), 257-266.
- 13- Nyarko, Yaw. (2010). The United Arab Emirates: Some lessons in economic development. Wider Working Paper, ISBN 978-92-9230-246-7, The United Nations University World Institute for Development Economics Research (UNU-WIDER). This Version is available at <http://hdl.handle.net/10419/54154>.
- 14- Peet, Richard. (2015). Theories of development: contentions, arguments, alternatives, Third edition. The Guilford Press. A Division of Guilford Publications. Inc 370 Seventh Avenue, Suite 1200, New York, NY 10001, www.guilford.com.
- 15- Porto, Tiago Couto. (2020). Coalitions for development: a new-developmental interpretation for the abandonment of industrial capitalist from PT political coalition. *Brazilian Journal of Political Economy*, 40(2), 355-375.
- 16- Saad Omaira, Mohammed. (2001). The Economy of the State of the United Arab Emirates: Achievements and Prospects. *Journal of Economic Cooperation*, 22(4), 1-22.
- 17- Sahu, Mrutujanaya. (2021). Public policy measures for COVID-19 crisis management: lessons from the UAE. *Fulbright Review of Economics and Policy*, 1(2), 246-265. <https://www.emerald.com/insight/2635-0173.htm>.
- 18- Schilirò, Daniele. (2013). Diversification and development of the UAE's economy. <https://mpa.ub.unimuenchen.de/47089/> MPRA Paper No. 47089.
- 19- Shihab, Mohamed. (2001). United Arab Emirates: a new perspective. Edited by Ibrahim Al Abed, Peter Hellyer, "United Arab Emirates: A New Perspective". Printed at Bookcraft, UK.
- 20- United States Library of Congress - Federal Research Division. "Country Profile United Arab Emirates (UAE)". United States Library of Congress, 2007. Available at: <https://www.refworld.org/docid/46f9135ed.html> [accessed 14 September 2023].
- 21- VNRs/High- Level Political Forum: Voluntary National Review UN High Level Political Forum. "United Arab Emirates and the 2030 Agenda for Sustainable Development Excellence in Implementation: Executive Summary" (2018). National Committee on Sustainable Development Goals.